

چین برگ برنده را از عربستان گرفت؟

انقلاب خاموش در بازار نفت

بازار جهانی نفت در حال تجربه یک تغییر ساختاری است؛ تغییری که در آن دیگر تنها ظرفیت مازاد تولید عربستان سعودی تعیین کننده مسیر قیمت‌ها نیست. انباشت گسترده ذخایر نفتی چین و استفاده هدفمند از آنها در زمان بحران، نشان داده است که مدیریت تقاضا از طریق ذخایر می‌تواند به همان اندازه مدیریت عرضه بر بازار اثرگذار باشد و موازنه سنتی قدرت در بازار نفت را دگرگون کند.

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: بازار جهانی نفت طی دهه‌های گذشته بر پایه یک سازوکار مشخص اداره می‌شد؛ هر زمان جنگ، تحریم یا بحران ژئوپلیتیکی عرضه نفت را تهدید می‌کرد، نگاه فعالان بازار به ظرفیت مازاد تولید عربستان سعودی دوخته می‌شد. ریاض با افزایش یا کاهش تولید، نقش اصلی را در متعادل کردن بازار و کنترل نوسانات قیمت ایفا می‌کرد. اما تحولات اخیر نشان می‌دهد این الگوی سنتی در حال تغییر است و در کنار تولیدکنندگان بزرگ، اکنون ذخایر عظیم نفتی چین نیز به یکی از عوامل تعیین کننده در معادلات بازار تبدیل شده است. رشد سریع مصرف انرژی در آسیا و تبدیل شدن چین به بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام جهان، طی سال‌های گذشته پکن را به سمت توسعه گسترده ذخایر راهبردی و تجاری سوق داد. چین از دوره‌های افت قیمت نفت برای افزایش ذخایر خود استفاده کرد و اکنون این انبارهای عظیم به ابزاری برای مدیریت شوک‌های عرضه و کنترل زمان ورود به بازار خرید تبدیل شده‌اند.

برآوردهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد چین در بخش عمده سال ۲۰۲۵، همزمان با کاهش قیمت نفت، روزانه نزدیک به ۹۰۰ هزار بشکه نفت برای تکمیل ذخایر راهبردی و تجاری خود خریداری کرده است. نتیجه این سیاست آن بود که با وقوع بحران‌های اخیر، پالایشگاه‌های چینی توانستند بدون افزایش واردات، نیاز خود را از محل ذخایر موجود تأمین کنند. این موضوع در جریان تنش‌های اخیر منطقه و نگرانی‌ها درباره اختلال در عبور نفت از تنگه هرمز به وضوح نمایان شد. برخلاف انتظار بازار که احتمال افزایش شدید تقاضا برای نفت خاورمیانه را مطرح می‌کرد، پالایشگاه‌های چینی خریدهای خود را کاهش دادند و به جای ورود به بازار، از ذخایر انباشته استفاده کردند؛ اقدامی که مانع شکل‌گیری موج تقاضای هیجانی و جهش شدید قیمت‌ها شد.

برآورد آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد چین تنها در ماه ژوئن حدود ۴۱ میلیون بشکه از ذخایر نفت خام خود برداشت کرده است؛ رقمی که یکی از بزرگ‌ترین کاهش‌های ماهانه ذخایر این کشور محسوب می‌شود. در همین حال، داده‌های مؤسسه کپلر نیز نشان می‌دهد واردات دریایی نفت خام چین در ماه مه به حدود ۶.۷ میلیون بشکه در روز رسید که پایین‌ترین سطح در نزدیک به یک دهه بود. با وجود این افت واردات، فعالیت پالایشگاه‌ها کاهش چشمگیری نداشت که نشان می‌دهد کسری واردات از محل ذخایر جبران شده است. بر اساس برآوردهای کپلر، پالایشگاه‌های چینی در همان دوره بیش از ۳۰۰ میلیون بشکه نفت خام در مخازن خود ذخیره داشتند؛ حجمی که امکان تأمین خوراک پالایشگاه‌ها برای دو تا سه ماه بدون افزایش واردات را فراهم می‌کرد. در همین حال، ذخایر راهبردی دولت نیز حفظ شد و حتی بخشی از آنها افزایش یافت؛ موضوعی که نشان می‌دهد مدیریت بحران عمدتاً بر عهده ذخایر تجاری و پالایشگاهی بوده است.

کاهش حضور چین در بازار خرید، آثار مستقیمی بر بازار نفت خاورمیانه بر جای گذاشت. افت تقاضای بزرگ‌ترین واردکننده جهان باعث شد بخشی از محموله‌های نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس به بازارهای دیگر از جمله اروپا، هند و سایر کشورهای آسیایی هدایت شود. در چنین شرایطی تولیدکنندگان منطقه برای حفظ سهم بازار ناچار به تعدیل قیمت‌های فروش شدند و عربستان نیز در چند مرحله قیمت رسمی فروش نفت «عرب لایت» برای مشتریان آسیایی را کاهش داد. همزمان، پالایشگاه‌های خصوصی چین نیز به دلیل کاهش حاشیه سود پالایش، افت رشد تقاضای سوخت و افزایش قیمت نفت خام، نرخ فعالیت خود را پایین آوردند و خرید خود را به سمت گریدهای ارزان‌تر عراق، امارات و عربستان سوق دادند. در نتیجه، بخشی از محموله‌های نفت ایران با کاهش تقاضا مواجه شد و میلیون‌ها بشکه نفت روی آب یا در مخازن شناور باقی ماند. واردات نفت ایران به چین نیز به پایین‌ترین سطوح خود از ابتدای سال ۲۰۲۳ نزدیک شد.

این تحولات نشان می‌دهد بازار جهانی نفت در حال عبور از یک تغییر ساختاری است. در گذشته، تعدیل بازار عمدتاً از طریق افزایش عرضه و استفاده از ظرفیت مازاد تولید عربستان انجام می‌شد، اما اکنون مدیریت ذخایر نفتی چین نیز به ابزاری مؤثر برای کنترل بازار تبدیل شده است. هنگامی که یک واردکننده بزرگ به جای خرید از بازار، از ذخایر خود استفاده می‌کند، در عمل تقاضای مؤثر کاهش می‌یابد و همان اثری را بر قیمت‌ها می‌گذارد که پیش‌تر افزایش تولید عربستان ایجاد می‌کرد. به این ترتیب، چین با انباشت ذخایر عظیم نفتی، نوعی «ظرفیت مازاد مصرف» ایجاد کرده است؛ ظرفیتی که به این کشور اجازه می‌دهد زمان خریدهای خود را مدیریت کند و از ورود تقاضای هیجانی به بازار جلوگیری کند. این موضوع نشان می‌دهد قدرت اثرگذاری بر بازار نفت دیگر تنها در اختیار تولیدکنندگان نیست و مصرف‌کنندگان بزرگی که توان مدیریت ذخایر خود را دارند نیز می‌توانند بر روند قیمت‌ها و تعادل بازار تأثیر بگذارند.

البته این تغییر به معنای پایان نقش عربستان سعودی در بازار جهانی نفت نیست. ظرفیت مازاد تولید این کشور همچنان مهم‌ترین ابزار مدیریت سمت عرضه به شمار می‌رود و در صورت بروز اختلال‌های گسترده، همچنان نقشی تعیین کننده در بازگرداندن تعادل به بازار خواهد داشت. با این حال، تجربه ماه‌های اخیر نشان می‌دهد سطح ذخایر نفتی چین، سرعت برداشت از آنها و زمان بازگشت این کشور به بازار خرید، اکنون به اندازه تصمیم‌های تولیدکنندگان بزرگ برای معامله‌گران و تحلیلگران اهمیت یافته است. در نتیجه، بازار جهانی نفت وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن مدیریت بازار تنها به افزایش یا کاهش تولید محدود نمی‌شود، بلکه ظرفیت ذخیره‌سازی و نحوه استفاده از ذخایر نیز به یکی از مهم‌ترین ابزارهای شکل‌دهنده قیمت‌ها و انتظارات بازار تبدیل شده است.